

حمایت از حرمت اشخاص در برابر آزادی بیان

نوشته

باقر انصاری*

چکیده

یکی از موضوعات مناقشه‌آمیز دربارهٔ حدود آزادی بیان، محدود بودن آن به رعایت آبرو و اعتبار دیگران است. حمایت از آزادی بیان ایجاب می‌کند که از انواع بیان‌ها حتی بیان‌هایی که برای برخی افراد ناخوشایند است یا سبب ناراحتی آن‌ها می‌شود حمایت شود؛ در مقابل، حمایت از آبرو و اعتبار افراد در جامعه، ایجاب می‌کند که از انتشار مطالبی که امور خلاف واقع به دیگران نسبت می‌دهند یا صرفاً حاوی فحش و ناسزا به افراد هستند حمایت نشود و در صورت لزوم، با کسانی که با مطالب کذب یا فحش به آبرو و اعتبار دیگران لطمه می‌زنند برخورد قانونی صورت گیرد. پرسش مهم در این خصوص آن است که دولت‌ها در طراحی قواعد ناظر بر حمایت از حرمت اشخاص، چگونه و با توجه به چه معیارهایی باید عمل کنند تا نه آزادی بیان در برابر قواعد ناظر بر هتک حرمت قربانی شود و نه حرمت اشخاص در برابر آزادی بیان پایمال شود. مقاله حاضر به مطالعه تطبیقی مسئله فوق پرداخته و چند پیشنهاد برای اصلاح قواعد ناظر بر هتک حرمت در ایران پیشنهاد داده است.

کلیدواژه: رسانه، آزادی بیان، هتک حرمت، توهین، افترا، نشر اکاذیب.

مقدمه

درباره اهمیت آزادی بیان و ضرورت حمایت از آن، سخن‌های بسیار گفته شده است. از جمله اینکه، آزادی بیان وسیله کشف حقیقت، حمایت از دموکراسی و شکوفایی فردی قلمداد شده و از همین رو، در منشور بین‌المللی حقوق بشر و قوانین اساسی کشورهای مختلف مورد حمایت قرار گرفته است. اختلاف نظرها آنجا ظاهر شده است که جوامع و دولت‌ها تلاش کرده‌اند تا حد و مرز آزادی بیان یا شرایط اعمال آن را تعیین کنند. بر این اساس، یکی از پرسش‌های مطرح آن است که دولت‌ها در طراحی قواعد ناظر بر حمایت از حرمت اشخاص،

چگونه و با توجه به چه معیارهایی باید عمل کنند تا نه آزادی بیان در برابر قواعد ناظر بر هتک حرمت قربانی شود و نه حرمت اشخاص در برابر آزادی بیان پایمال شود.

مطالعه تطبیقی نشان می‌دهد که کشورهای مختلف برای حمایت از حرمت اشخاص در برابر آزادی بیان رویکردهای نسبتاً متفاوتی را در پیش گرفته‌اند که این امر حاکی از نسبی بودن تعریف هتک حرمت و تأثیر تفاوت‌های فرهنگی (ارزش‌ها و هنجارها) در شرایط تحقق و آثار آن است (Glasser, 2006: 3-4). در کشور ما نیز با توجه به اینکه قانون اساسی بر مصون بودن حیثیت افراد تصریح کرده (اصل ۲۲) و در قوانین مختلفی نظیر قانون مطبوعات، قانون مجازات اسلامی و قانون مسئولیت مدنی، انتشار مطالب اهانت‌آمیز، حسب مورد، از موجبات مسئولیت کیفری و مدنی شناخته شده، این سؤال قابل طرح است که رویکرد قوانین مذکور برای سازش بین منافع ناشی از آزادی بیان و منافع ناشی از حمایت از حرمت اشخاص چیست؟ این رویکرد، در مقایسه با رویکرد سایر کشورها، با چه چالش‌های مواجه است و چه راهکارهایی برای مواجهه با این چالش‌ها قابل استفاده است.

به نظر می‌رسد، چهار مسئله عمده در خصوص نسبت بین آزادی بیان و حمایت از حرمت اشخاص وجود دارد که این مقاله درصدد است آن‌ها را مورد مطالعه قرار دهد: قواعد ناظر بر هتک حرمت، از چه چیزی حمایت می‌کنند؟، از حرمت در برابر چه نوع بیان‌هایی حمایت می‌شود؟، آیا همه بیان‌کننده‌ها باید به نحو یکسان مورد توجه قرار گیرند؟ و آیا همه ادعاکنندگان هتک حرمت باید به‌طور یکسان مورد توجه قرار گیرند؟

بند اول. قواعد ناظر بر هتک حرمت، از چه چیزی حمایت می‌کند؟

از نظر اصطلاحی، حرمت عنوان عامی است که در ادبیات حقوقی ما با تعابیر مختلفی نظیر حیثیت، شرف، آبرو، تمامیت، کرامت، اعتبار، اسم و رسم و احترام مورد توجه واقع شده است. وجه مشترک همه تعابیر مذکور آن است که دلالت بر مصون از تعرض بودن می‌کنند. بدین ترتیب، اولین مسئله مهم در خصوص هتک حرمت آن است که منظور از حرمت چیست؟ منشأ حرمت کجاست؟ آیا همه اشخاص، اعم از حقیقی و حقوقی، از حرمت برخوردار هستند؟ آیا حرمت می‌تواند به اشیا هم تعلق بگیرد؟ آیا حرمت، امری ذوجنبه است و هر کدام از جنبه‌های آن مستلزم احکام خاص است؟ آیا حرمت یک امر ذومراتب است و افراد مختلف از حرمت‌های متفاوت برخوردارند و در نتیجه، حمایت از حرمت باید متناسب با میزان آن، کم یا بیشتر باشد؟

الف. موضوع حرمت در حقوق تطبیقی

مطالعه تطبیقی حمایت از حرمت در سایر کشورها نشان می‌دهد که در بسیاری از کشورها، حرمت یک امر چندوجهی و ذومراتب است.^۱ بر این اساس، حرمت ممکن است دارای چهار جنبه مختلف باشد: ذاتی، ذهنی، اجتماعی، قانونی.^۲

حرمت ذاتی. انسان به دلیل آنکه اشرف مخلوقات است از کرامت و احترام ذاتی برخوردار است. از این رو، هر فردی به‌صرف انسان‌بودن از این حرمت برخوردار است. میزان این حرمت برای همه انسان‌ها ثابت و یکسان است و همگان از آن برخوردار هستند. این حرمت غیرقابل سلب از انسان است و بر همین اساس، ایجاب می‌کند که حتی در مورد مجازات جنایت‌کاران نیز به‌گونه‌ای عمل شود که حداقل‌های کرامت انسانی آن‌ها رعایت شود. این نوع حرمت تحت‌عنوان کرامت انسانی در نظام بین‌المللی حقوق بشر مورد توجه و حمایت واقع شده است. هدف و ادعای نظام بین‌المللی حقوق بشر آن است که حداقل‌های رفتار توأم با کرامت ذاتی انسان‌ها را برای آن‌ها تأمین کند.

نظام بین‌المللی حقوق بشر تلاش کرده است تا به طرق مختلفی حمایت از حرمت افراد را تضمین کند. با وجود این، حمایت‌های این نظام از حرمت اشخاص به چند جهت محدود و حداقلی است: اول اینکه فردگرایانه است یعنی تنها از حرمت اشخاص حقیقی حمایت می‌کند، دوم اینکه محدود به زمان حیات است و برای حمایت از حرمت اموات قابل اعمال نیست، سوم اینکه در مورد اشیاء قائل به حرمت نیست حتی اگر در زمره مقدسات باشند.

حرمت شخصی یا ذهنی. (Subjective honour(en), I honour (fr)) منظور از حرمت شخصی، ارزشی است که هر فرد انسانی برای خود نزد خویشتن یا دیگران قائل است. انسان‌ها حق دارند هویت خود را آن‌طور که دوست دارند به دیگران معرفی کنند و امور خصوصی و عمومی خود را آن‌طور که صلاح می‌دانند ترسیم کنند. به دیگر سخن، هر فردی حق بر هویت فردی یا تعریف خود (Self-definitaion) دارد. بر همین اساس، می‌تواند در چارچوب قانون — حریمی را برای خود تعریف کند که از آن معمولاً به "آبرو" (Honour) یاد می‌شود. برخلاف حرمت ذاتی، ادعای حرمت شخصی قابل ارزیابی از سوی دیگران است و ممکن است مورد پذیرش قرار نگیرد. همچنین، لطمه به این حرمت عمدتاً منجر به ورود ضرر معنوی می‌شود و این ضرر نیز نه به‌طور نوعی بلکه به‌طور شخصی ارزیابی می‌شود. (Dereyer, 2002: 50)

با توجه به اینکه این نوع حرمت جنبه اجتماعی ندارد برای تحقق اهانت به آن، انتشار یا علنی بودن یا حضور شخص ثالث در حین هتک حرمت شرط نیست. همچنین، اهانت‌آمیز بودن با رجوع به عرف جامعه احراز نمی‌شود. بلکه به‌صورت شخصی احراز می‌شود. از این رو، ممکن است امری که نوعاً اهانت‌آمیز محسوب نمی‌شود نسبت به فردی که مدعی هتک حرمت است اهانت محسوب شود.

حرمت عینی. (Objective honour(en), la consideration(fr.)) یا اجتماعی. (Social honour)

منظور از حرمت اجتماعی، اعتبار و احترام و ارزشی است که شخصی در نتیجه حضور و فعالیت در جامعه، نزد دیگران به‌دست می‌آورد. از این حرمت به "اعتبار" (Reputation) یا "شهرت" یاد می‌شود که عمدتاً جنبه مالی داشته، در حکم کالا محسوب می‌شود و اشخاص حقوقی نیز می‌توانند واجد آن باشند. این حرمت در نتیجه تلاش و زحمت و به‌کارگیری استعدادها و توانایی‌ها حاصل می‌شود و

میزان آن ممکن است از شخصی به شخص دیگر متغیر باشد. لطمه‌زدن به چنین حرمتی به کار و حرفه و قابلیت مالی افراد آسیب می‌زند و در نتیجه، عمدتاً به ورود ضررهای مالی منجر می‌شود که این ضررها نیز به‌طور نوعی قابل ارزیابی هستند.

بر این اساس، قواعد ناظر بر هتک حرمت باید با توجه به اهمیت و حساسیت نقش‌های اجتماعی افراد در جامعه طراحی شوند. افراد مشهور و غیرمشهور، اعتبار متفاوتی دارند و مستلزم حمایت‌های متفاوت هستند. برای مثال، شهرت برای یک ورزشکار یا هنرپیشه یا تاجر اهمیت حیاتی دارد.

با توجه به اینکه این نوع حرمت جنبه اجتماعی دارد برای تحقق اهانت به آن، انتشار یا علنی‌بودن یا حضور شخص ثالث در حین هتک حرمت لازم است؛ همچنین، اهانت‌آمیز بودن با رجوع به عرف جامعه و به‌طور نوعی احراز می‌شود. علاوه بر این، وجود قصد و نیت از جانب اهانت‌کننده شرط نیست؛ کافی است که آنچه به دیگری نسبت داده شده به اعتبار وی لطمه زده باشد.

حرمت قانونی. در جوامع مختلف برای برخی اشخاص حقیقی یا حقوقی یا اشیا و اماکن حرمت پیش‌بینی شده است. برای مثال، برای رئیس دولت حرمت پیش‌بینی می‌شود صرف‌نظر از اینکه چه کسی در این سمت قرار گیرد. یا برای برخی از دستگاه‌های اجرایی کشور یا برای پرچم کشور یا سرود ملی آن حرمت پیش‌بینی می‌شود. مبنای این نوع حرمت‌ها حمایت از اعتماد عمومی به دولت و حفظ نظم و آسایش عمومی است.

با توجه به اینکه این نوع حرمت جنبه جعلی و وضعی و استثنایی دارد برای وجود آن در یک نظام حقوقی باید به حقوق به موضوعه آن کشور مراجعه کرد. در صورت نبود نص قانونی، اصل بر نبود این حرمت است. همچنین، کم و کیف این نوع حرمت در کشورهایی که پیش‌بینی شده، متفاوت است. برخی از کشورها همانند فرانسه یا ترکیه، اهانت به دستگاه‌های اجرایی و مقامات دولتی را ممنوع اعلام کرده و برای لطمه به اعتبار اشخاصی که مشاغل مهمی مثل ریاست‌جمهوری را تصدی می‌کنند مجازات‌های شدید در نظر گرفته‌اند. اما برخی دیگر نظیر آمریکا، طرح دعوای کیفری به اتهام هتک حرمت از مقامات سیاسی حتی از رئیس‌جمهور پذیرفته نمی‌شود.

تحقق اهانت نسبت به این نوع حرمت مشروط به علم اهانت‌کننده به موقعیت اجتماعی شاکی و اهانت به سبب یا به مناسبت موقعیت وی است.

حرمت گروه‌های نژادی و قومی و مذهبی و ممنوعیت بیان مطالب تنفرآمیز علیه آن‌ها نیز در ذیل این نوع حرمت قرار می‌گیرد. بیان مطالب تنفرآمیز تنها در کشورهایی ممنوع است که منع قانونی صریحی داشته باشند.

ب. حرمت شرعی در حقوق اسلامی

در منابع اسلامی و نیز حقوق ایران، تمایز صریحی بین جنبه‌های چهارگانه حرمت، مشاهده

نمی‌شود. با وجود این، از برخی روایات و نیز از برخی قوانین می‌توان توجه تلویحی به جنبه‌های مختلف حرمت اشخاص را استنباط کرد. علاوه بر حرمت‌های چهارگانه مذکور، در بیشتر آثار فقهی مرتبط با هتک حرمت و نیز در قانون مطبوعات (ماده ۶ قانون مطبوعات) و مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص ضوابط نشر کتاب (شق ۱ از بند ب ماده ۴ مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی) از لزوم احترام به اشخاصی که حرمت شرعی دارند سخن رفته است. بر این اساس، این پرسش به میان می‌آید که منظور از حرمت شرعی چیست و چه اشخاصی از این نوع حرمت برخوردار و چه اشخاصی از آن محروم هستند؟

از مباحثی که در تفسیر آیات و روایات ناظر بر حمایت از حرمت افراد گفته شده چنین بر می‌آید که سه دسته اشخاص از حرمت شرعی برخوردار نیستند؛ کافر، متجاهر به فسق و بدعت‌گذار در دین اسلام.

در مورد اختصاص حرمت به مؤمن یا برخورداری کفار از حرمت بین فقه‌ها اختلاف نظر وجود دارد. برخی از فقه‌ها با استناد به آیات قرآن که بر کرامت بنی‌آدم تصریح دارند یا نسبت به بدگویی آشکار و پنهانی از مطلق افراد هشدار می‌دهند، معتقدند که هیچ انسانی را نمی‌توان هتک حرمت کرد. اما برخی دیگر، هتک حرمت را یا فقط نسبت به شیعیان اثنی‌عشری یا نسبت به مطلق مسلمانان و گاهی نیز در مورد کفار ذمی، حرام می‌دانند.

در مورد افراد فاسق، چه مسلمان باشد و چه کافر ذمی، اگر غیرمتجاهر باشند اصل و جوب حرمت جاری است.^۳ در خصوص حرمت افراد غیرمتجاهر به فسق گفته شده است که فرقی بین حرمت عادل و فاسق غیرمعلن وجود ندارد. اما فاسق معلن در خصوص عملی که به آن تجاهر می‌کند حرمتش را از دست می‌دهد و در سایر زمینه‌ها همچنان حرمت خواهد داشت. بر این اساس، هجو فاسق معلن نیز تنها در صورتی مجاز تواند بود که پای مصلحتی در میان باشد که از مصلحت حفظ حرمت، برتر باشد. (خویی، ۱۳۷۸: ۶۲۶)

در مورد جواز سب و هجو نسبت به اهل بدعت، به روایتی (محقق کرکی، ۱۴۱۴: ۵۰۸) از پیامبر استناد می‌شود که مضمون آن این است که از اهل بدعت بیزاری جوید، پشت سر آن‌ها بدگویی کنید و به آن‌ها بهتان بزنید تا مؤمنان به آن‌ها گرایش پیدا نکنند. شیخ انصاری در توجیه این امر می‌گوید: مصلحت دور کردن اهل بدعت از مردم از مفسده دورغ گفتن قوی‌تر است. (انصاری، ۱۳۷۴: ۱۸۴) ایشان و نیز مرحوم خویی تأکید دارند که با توجه به عموم حرمت کذب و استثنایی بودن جواز هجو اهل بدعت، هجو اینان به اکاذیب حرام است و آن‌ها را تنها می‌توان به معایب موجودشان هجو کرد (همان، ۱۸۳؛ خویی، همان: ۳۸۷). مرحوم خویی اضافه می‌کند آن هم در صورتی که مفسده و فتنه‌ای بر هجوشان حتی به معایب موجود مترتب نباشد. (خویی، همان)

بند دوم. از حرمت در برابر چه نوع بیان‌هایی حمایت می‌شود: اظهارنظر یا اظهار واقع؟

یکی دیگر از مسائل مهم و مناقشه‌آمیز در خصوص حمایت از حرمت اشخاص در برابر آزادی بیان این است که چه نوع بیان‌هایی به حرمت آسیب می‌زنند؟ آیا همه بیان‌های خلاف واقع و دروغ (بیان‌های اخباری) به هتک حرمت منجر می‌شوند؟ اظهارنظر و تفسیر و تحلیل شخصی که ممکن است در قالب انتقاد، طنز و کاریکاتور صورت گیرد چگونه؟ در پاسخ به این پرسش برخی کشورها به‌طور صریح و برخی به‌طور ضمنی، بین بیان‌های راجع به امور واقع و بیان‌های نظری تمایز قائل شده و قواعد ناظر بر ترسیم رابطه بین آزادی بیان و حمایت از حرمت افراد را بر این تمایز مبتنی کرده‌اند.^۵ از بیان‌های دسته نخست می‌توان به «اظهارواقع» (Statement of fact) و از بیان‌های دسته دوم می‌توان به «اظهارنظر» (Statement of opinion) یاد کرد. اظهار واقع، همانند انتساب اختلاس به یک شخص که راست یا دروغ بودن انتساب، به‌طور نوعی قابل اثبات است. اظهارنظر، مطلبی است که از نظر راست یا دروغ بودن، اثبات‌پذیر نیست. همانند اینکه فردی بگوید به نظر من، فلانی «احمق» یا «بی‌عرضه» یا «بی‌سواد» یا «بی‌لیاقت» یا «خونخوار» است.

این تفکیک تأثیر مهمی بر احکام راجع به هتک حرمت دارد و حقوق بسیاری از کشورها از این تفکیک تأثیر پذیرفته است. برای مثال، ماده ۲۹ قانون مطبوعات فرانسه بر مبنای تفکیک مذکور، دو نوع هتک حرمت پیش‌بینی کرده است:^۵ انتساب امری از مقوله واقعیت‌ها به یک شخص که به آبرو یا اعتبار وی لطمه بزند و بیان هر مطلب توهین‌آمیز ولی خارج از مقوله واقعیت‌ها که به آبرو یا اعتبار اشخاص لطمه بزند. قانون جزای ژاپن نیز در مواد ۲۳۰ تا ۲۳۳ به ترتیب عناوین مجرمانه «لطمه به آبرو یا اعتبار اجتماعی اشخاص با انتشار مطالب راجع به امور واقع»، «لطمه به آبرو و اعتبار اشخاص با انتشار امور خارج از مقوله واقعیت‌ها» و «لطمه به اعتبار اشخاص با نشر اکاذیب یا شایعات» را پیش‌بینی کرده است.

اتحادیه اروپا نیز در گزارشی که در سال ۲۰۰۷ برای تشویق کشورهای اروپایی به جرم‌زایی از هتک حرمت منتشر کرده، تأکید کرده است که «اصل مبنایی در هر گونه بررسی اخلاقی روزنامه‌نگاری آن است که باید تمایز روشنی بین اخبار و نظرها گذاشته شود به‌گونه‌ای که خلط آن دو را ناممکن سازد. اخبار عبارت است از اطلاع‌رسانی درباره واقعیت‌ها و داده‌ها در حالی که نظرها، افکار و عقاید و باورها و قضاوت‌های شخصی مؤسسات رسانه‌های و ناشران و روزنامه‌نگاران را منعکس می‌سازند.»^۶

در حقوق موضوعه ایران، منظور از هتک حرمت، هر عمل یا بیانی است که به آبرو یا اعتبار یک شخص لطمه وارد کند خواه این بیان راجع به امور واقع باشد و خواه راجع به امور نظری. اما هر مطلب خلاف واقع در مورد افراد، هتک حرمت محسوب نمی‌شود. به تعبیر مجلس شورای

اسلامی، اهانت و توهین عبارت است از به کار بردن الفاظی که موجب تخفیف و تحقیر شود.^۷ توهین، افترا، قذف، نشر اکاذیب و هجو مهم‌ترین عناوین مجرمانه‌ای هستند که ذیل عنوان هتک حرمت قرار می‌گیرند. اما وجه فارق دقیقی بین این عناوین مجرمانه وجود ندارد و با آنکه مجازات آن‌ها متفاوت است اما در عمل، بیان یک مطلب ممکن است هم‌زمان مشمول دو یا چند عنوان مجرمانه قرار گیرد. به نظر می‌رسد که برای نظام‌مند شدن قواعد ناظر بر حمایت از آبرو و اعتبار اشخاص، باید بیان‌های مختلف، در وهله نخست، به دو لحاظ دسته‌بندی شوند:

الف. انتساب مطلب اهانت‌آمیز از مقوله امور واقعی

با توجه به اینکه بیان‌های راجع به امور واقع با انعکاس حقایق به شکل‌گیری قضاوت‌های صحیح و معقول در جامعه کمک می‌کنند و راست یا دروغ بودن آن‌ها نیز به‌طور نوعی قابل اثبات است باید از نهایت حمایت برخوردار باشند. مفروض این است که از بیان حقیقت به اعتبار کسی لطمه وارد نمی‌شود مگر آنکه آن اعتبار با فریب و دروغ ایجاد شده باشد. همچنین، بیان حقیقت، نفع و کارکرد اجتماعی مهمی دارد که عبارت است از حمایت از افراد در برابر اعضای ریاکار و نیرنگ‌باز جامعه. (Harnett and Thornton, 1949: 438,37)

چنانچه شخصی مطلب اهانت‌آمیزی به دیگری منتسب کند که از امور واقعی باشد یعنی صحت انتساب قابل اثبات باشد دو فرض ممکن است پیش آید: صحت انتساب اثبات می‌شود که در این صورت، در بسیاری از کشورها، مسئولیت مدنی و کیفری، هر دو، منتفی می‌شود. صحت انتساب اثبات نمی‌شود که در این صورت، در بسیاری از کشورها نظیر اسپانیا از روزنامه‌نگار یا ناشر خواسته می‌شود تا اثبات کند که تلاش لازم و کافی برای احراز واقعیت داشتن مطلب منتشر شده، کرده است. اگر اثبات شود که در انجام وظیفه خود کوتاهی نکرده‌اند معلوم شدن خلاف واقع بودن مطلب منتشر شده منجر به مسئولیت آن‌ها نمی‌شود. به دیگر سخن، اینان تعهد به تضمین انتشار مطالب کاملاً واقعی ندارند بلکه تعهد به وسیله دارند. (Kozioł and Warzilek, 2005: 293)

در حقوق ایران، اگر مطلب اهانت‌آمیزی که به دیگری نسبت داده شده از امور واقعی باشد حسب اینکه امر اسناد داده شده عنوان مجرمانه داشته باشد یا نه، حکم قضیه فرق می‌کند. در فرض اول، می‌توان گفت که حسب مورد، افترا یا قذف واقع شده است. ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) می‌گوید افترا عبارت است از اینکه شخصی صریحاً ارتکاب جرمی را به دیگری نسبت دهد بدون آنکه بتواند صحت آن را اثبات کند. بر اساس ماده ۲۴۵ همان قانون هرگاه موضوع افترا را جرائم زنا و لواط تشکیل دهد عنوان "قذف" بر آن‌ها اطلاق می‌شود.

چنانچه امر اسناد داده شده عنوان مجرمانه نداشته باشد در این صورت، حسب مورد ممکن است نشر اکاذیب یا هجو واقع شود. اگر شخصی به قصد اضرار به غیر، مطالب خلاف واقع در مورد او منتشر کند اعم از آنکه آن مطالب اهانت‌آمیز باشند یا نباشند و اعم از آنکه ضرر مورد نظر، در عمل، محقق شود یا نشود، آنچه واقع شده است نشر اکاذیب نامیده می‌شود (ماده ۶۹۸

قانون مجازات اسلامی). هجو نیز عبارت است از شمارش معایب یک فرد و بدگویی از وی به نحو مکتوب یا شفاهی برای تخریب و جهة آن فرد. صحت داشتن یا نداشتن مطالب گفته شده و اثبات یا ناتوانی از اثبات صحت انتساب، شرط تحقق این بزه محسوب نمی‌شود (ماده ۷۰۰ قانون مجازات اسلامی). (پاد، ۱۳۵۲: ۳۹۷)

وجه مشترک موارد فوق غیر از مورد هجو آن است که اثبات صحت اسناد، مسؤلیت را منتفی می‌کند مگر آنکه، افشای مطلب اهانت‌آمیز، نقض حریم خصوصی نیز باشد یا اشاعه فحشا به شمار آید.

ب. انتشار مطلب اهانت‌آمیز از مقوله امور نظری

چنانچه شخصی اظهارنظر یا تحلیل و تفسیر در مورد امری یا شخصی صورت دهد این سؤال پیش می‌آید که چون در این گونه اظهارنظرها، بیان‌کننده در مقام اخبار و انتساب امری به دیگری نیست بلکه صرفاً در مقام انشا یا ابراز نظر شخصی است قواعد ناظر بر هتک حرمت چگونه باید طراحی شود تا به سانسور این گونه بیان‌ها منجر نشود؟

در پاسخ به این پرسش، به نظر می‌رسد که باید بین دو دسته بیان‌های نظری تمایز قائل شد: بیان‌هایی که بر مبنای داده‌های واقعی صورت می‌گیرند و بیان‌هایی که بی‌اساس هستند. اگر اظهارنظر بر مبنای داده‌های واقعی و معلوم (خواه این داده‌ها از قبل برای مخاطبان معلوم باشد و خواه بیان‌کننده آن‌ها را در ضمن اظهارنظر خود معلوم کرده باشد) صورت گیرد آنچه واقع شده تفسیر و تحلیل نامیده می‌شود که ذیل عنوان آزادی بحث (Freedom of discussion/debate) قرار می‌گیرد. حال اگر در مقام بیان یک تفسیر و تحلیل، مطلبی بیان شود که اهانت‌آمیز به نظر رسد برخلاف آنچه در بیان مطالب واقعی وجود دارد از بیان‌کننده خواسته نمی‌شود که صحت اسناد را اثبات کند بلکه خواسته می‌شود تا مبتنی بودن تحلیل و تفسیر خود بر داده‌های واقعی را اثبات کند. چنانچه معلوم شود که اظهارنظر وی با داده‌های موجود در جامعه چه آن داده‌ها حقیقت داشته باشند و چه برخلاف حقیقت بوده ولی مخاطبان یا افکار عمومی آن‌ها را واقعی تصور کنند صورت گرفته و بیان‌کننده در اظهارنظر خود حسن نیت داشته است بیان وی مورد حمایت خواهد بود و هتک حرمت محسوب نمی‌شود. (Noel, 1949: 875-89) اما اگر بدون اتکای به داده‌های واقعی، اظهارنظری در مورد یک واقعه یا شخص صورت گیرد دو حالت ممکن است پیش آید: شخصی به قصد تحقیر و خوارکردن کسی، الفاظ و عبارت‌های زشت و ناسزا در مورد وی به کار می‌برد که در این صورت، آنچه واقع شده، فحش نامیده می‌شود. برای مثال، در رویه قضایی برزیل، ”رذل“ نامیدن یک شهردار، ”دروغگو“، ”ریاکار“ و ”بی‌فرهنگ“ نامیدن یک نامزد انتخابات ریاست شورای شهر، از مصادیق فحش شناخته شده‌اند. ولی اگر آنچه گفته شده، اهانت‌آمیز نباشد ذیل عنوان شایعه یا مطلب بی-اساس قرار می‌گیرد. (Classer jr, Charles J, 2006: 23)

در حقوق ما، احکام خاصی در حمایت از بیان‌های نظری مشاهده نمی‌شود جز در مورد انتقاد که قانون مطبوعات (مواد ۳ و ۲۳) و مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص ضوابط نشر کتاب (شق ۶ از بند ب ماده ۴ مصوبه) به‌طور مشروط از آن حمایت کرده‌اند.

بند سوم. آیا همه بیان‌کنندگان مطالب اهانت‌آمیز باید به‌نحو یکسان مورد توجه قرار گیرند؟

آیا هر کس که به دیگری اهانت کند قابل مؤاخذه و تعقیب خواهد بود یا اینکه برخی اشخاص در صورت اهانت به دیگری، از تعقیب مصون هستند؟

در پاسخ به این سؤال، در برخی کشورها بنا به مصالحی که از مصلحت حفظ حرمت مهم‌تر محسوب می‌شوند، هتک حرمت ارتكابی از سوی برخی اشخاص، گاهی به‌طور مطلق و گاهی به‌طور مشروط، مصون از تعقیب شناخته شده‌اند. اگر منافعی که نظام حقوقی از بیان برخی مطالب دنبال می‌کند در مقایسه با منافع ناشی از حمایت از حرمت اشخاص مهم باشند بیان‌کننده در برابر تعقیب‌کننده از «مصونیت مشروط» (Qualified privilege) برخوردار خواهد بود و اگر بسیار مهم باشند از «مصونیت مطلق» (Absolute privilege). (Harper, 1936: 644).
ذیلاً این بحث در حقوق سایر کشورها و حقوق اسلام و ایران مطالعه می‌شود.^۸

الف. حقوق تطبیقی

مطالعه تطبیقی نشان می‌دهد که در برخی کشورها، سه دسته اشخاص از مصونیت مشروط در برابر دعاوی هتک حرمت برخوردارند: کارگر در مقابل کارفرما، شاکی در مقام احقاق حق و هر شخصی که وظیفه قانونی یا اخلاقی نسبت به بیان یا گزارش یک مطلب داشته باشد. برخوردار از این مصونیت بدین لحاظ مشروط نامیده شده که برای برخوردار از مصونیت، چند شرط لازم است: بیان‌کننده کیست؟ علیه چه کسی بیان می‌کند؟ به چه کسی بیان می‌کند؟ درباره چه موضوعی بیان می‌کند؟ برای مثال، اگر شخصی برای حمایت از منافع عمومی، با انتشار نامه‌ای به مقامات ذیصلاح، با نسبت دادن اعمال اهانت‌آمیز به یک شخص، انتصاب او را به تصدی یک سمت عمومی زیر سؤال ببرد و بعداً اثبات شود که مطالب وی کذب بوده است به اتهام هتک حرمت، قابل تعقیب نخواهد بود. اما اگر همین شخص، مطلب خود را از طریق رسانه‌ها اعلام می‌کرد چه بسا به اتهام هتک حرمت مجازات می‌شد.

در مقابل، سه دسته اشخاص از مصونیت مطلق برخوردارند و تحت هیچ شرایطی به اتهام هتک حرمت قابل تعقیب نیستند: نمایندگان پارلمان، مقامات ارشد قوه مجریه و مقامات قضایی. نه تنها نمایندگان به دلیل سخنانی که در پارلمان بیان می‌کنند قابل تعقیب نیستند بلکه اگر رسانه‌ها نیز بیان‌های اهانت‌آمیز آن‌ها را با علم به قضیه منتشر کنند، مسئولیت نخواهند داشت. مبنای چنین مصونیتی آن است که اگر نمایندگان پارلمان بدانند که آنچه در پارلمان می‌گویند

ممکن است به تعقیب مدنی یا کیفری آن‌ها منجر شود قدرت انتقاد و اظهارنظری را که لازمه نمایندگی است از دست می‌دهند.

دسته دوم از اشخاص برخوردار از مصونیت، مقامات ارشد اجرایی هستند که مطالب اهانت‌آمیز آن‌ها به یکدیگر مورد تعقیب قرار نمی‌گیرد. زیرا، اینان به‌خاطر دسترسی گسترده به وسایل ارتباطی به آسانی می‌توانند آنچه را که درباره آن‌ها گفته می‌شود تکذیب یا انکار کنند یا با دادن توضیحات لازم، افکار عمومی را اصلاح کنند. به همین جهت، در برخی از کشورهایی که حق پاسخ را شناسایی کرده‌اند این حق فقط به شهروندان اختصاص دارد و مقامات دولتی از این حق برخوردار نیستند. اینان از "حق تصحیح" (Droit de rectification) برخوردارند که به موجب آن می‌توانند اطلاعاتی را که به‌طور ناقص یا تحریف‌شده در رسانه‌ها منتشر شده‌اند اصلاح کنند. (Derieuy, 1999: 404-9)

در خصوص مقامات قضایی نیز هر اظهارنظری که در جریان یکی از مراحل رسیدگی‌های قضایی از جمله در مرحله تحقیقات مقدماتی به‌وسیله اشخاصی که مستقیماً در آن رسیدگی‌ها نقش دارند همانند قاضی، طرفین دعوا یا وکلای آن‌ها، شهود، مشاور حقوقی، کارشناس دادگستری، اعضای هیئت منصفه، صورت گیرد مشروط بر آنکه این اظهارنظر به‌نحوی با آن رسیدگی ارتباط داشته باشد مصون از تعقیب خواهد بود.

ب. حقوق ایران

در منابع فقهی، چند استثنا در مورد هتک‌حرمت مشاهده می‌شود که با موارد "مصونیت مشروط" در سایر کشورها مشابهت دارند. اولین مورد به شخصی مربوط می‌شود که مورد ظلم واقع شده باشد. آیه مبارکه «لایحبّ الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم» بر این مطلب دلالت دارد که اگر شخصی در مقام تظلم‌خواهی از خود یا دیگری، مطالبی اهانت‌آمیز از ظالم بگوید قابل تعقیب نخواهد بود. صاحب جواهر، سه شرط برای اعمال حکم این آیه ذکر کرده است: اولاً ظلم تحقق یافته باشد، ثانیاً نزد شخص یا اشخاصی تظلم‌خواهی شود که می‌توانند رفع ظلم کنند و ثالثاً در متهم کردن ظالم، میزان مراعات شود (نجفی، پیشین: ۱۱۷). اما آیت‌الله خویی معتقدند که می‌توان حکم آیه مذکور را عام دانست که شامل تظلم نزد کسی که نمی‌تواند رفع ظلم کند نیز می‌شود (خویی، پیشین: ۴۷۱). امام خمینی (ره) نیز آیه شریفه را مطلق دانسته‌اند که صرفاً ناظر به نفس جواز جهر بالسوء است و نه کیفیت آن. از این رو، این نظر را که اگر شخصی که مورد ظلم واقع شده برای رفع ظلم به دولت و مقامات قضایی مراجعه نکند هرج و مرج ایجاد می‌شود رد می‌کنند (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۸۷-۲۸۲). براین اساس، برخی معتقدند که نماینده مجلس نیز می‌تواند در مقام تظلم‌خواهی از موکلان خود در مجلس شورای اسلامی سخن بگوید.^۹

مورد دیگر آن است که چنانچه شخصی در مقام مشورت‌دادن یا نصیحت‌کردن به یک شخص، به دیگری اهانت کند مصون از تعقیب خواهد بود چه مشورت از وی خواسته شده

باشد و چه خودش به این نتیجه رسیده باشد که نصیحت فلانی لازم است. تنها قیدی که در خصوص این مورد مشاهده می‌شود آن است که رعایت میزان لازم است و در مقام مشورت نمی‌توان از حد لازم تعدی و تجاوز کرد. در غیر این صورت، بین ادله مستحبات و مکروهات و ادله محرمات تعارض ایجاد می‌شود و ادله محرمات، مانع از آن است که در مقام انجام کار مستحب، حرامی واقع شود. (نجفی، پیشین: ۱۱۹)

مورد سوم به اشخاصی مربوط می‌شود که در مقام نهی از منکر مرتکب اهانت می‌شوند. به دیگر سخن، اگر هجو فاسق داخل در نهی از منکر باشد یعنی برای بازداشتن یک شخص از منکر، هجوش لازم باشد صاحب مسالک گفته که می‌توان هجو کرد. صاحب جواهر می‌گوید استاد من گفته است که اگر هجو برای مصلحت عظیمه باشد یا دفع مفسده از شخص مورد هجو، می‌توان آن را مرتکب شد. ایراد صاحب جواهر این است که این سخن مستلزم ترجیح ادله نهی از منکر بر ادله حرمت هجو است و خالی از اشکال نیست. به‌ویژه اگر منظور این باشد که برای هر امر حرامی که بازداشتن از آن متوقف به هجو باشد بتوان به آن متوسل شد. (همان: ۱۰۸)

با توجه به اختلاف نظرهایی که نسبت به مفهوم اصل ۸۶ قانون اساسی وجود داشت، شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۸۰/۱۰/۲۰ طی نظریه تفسیری اعلام کرد که مصونیت ریشه اسلامی ندارد و تمام مردم در برابر حق و قانون الهی یکسان و برابرند و اصل ۸۶ به اظهار نظر و رأی نمایندگان در مجلس و در مقام ایفای وظایف نمایندگی اختصاص دارد و با ارتکاب اعمال و عناوین مجرمانه نظیر هتک حرمت ملازمه ندارد. از این رو، ارتکاب اعمال و عناوین مجرمانه از شمول این اصل خارج می‌باشد و این رأی منافی مسئولیت مرتکب جرم نمی‌باشد. (نظریات شورای نگهبان، ۱۳۸۱: ۳-۲۵۲)

بند چهارم. آیا همه ادعاکنندگان هتک حرمت باید به نحو یکسان مورد توجه قرار گیرند؟

یکی از چالش‌های آزادی بیان آن است که دعوای هتک حرمت از جانب اشخاص مختلف، چگونه باید پذیرفته شود. برای مثال، آیا مقامات دولتی باید همانند افراد معمولی بتوانند ادعای هتک کنند یا اینکه شرایط استماع این دعوا از سوی آن‌ها باید سخت باشد؟ آیا اشخاص حقوقی می‌توانند ادعای هتک حرمت کنند؟ آیا گروه‌ها حق اقامه دعوای هتک حرمت دارند؟ در پاسخ به این پرسش، مخاطبان مطالب اهانت‌آمیز را در پنج دسته می‌توان مورد مطالعه قرار داد:

الف. هتک حرمت کارکنان و مقامات دولتی

در نظام حقوقی کشورهای مختلف در خصوص حمایت از حرمت کارکنان و مقامات عمومی سه رویکرد وجود دارد: برخی کشورها نظیر آلمان (ماده ۱۸۷ قانون جزا)، فرانسه (ماده ۲۶

قانون مطبوعات) و یونان (ماده ۱۶۸ قانون جزا) از این اشخاص در مقایسه با اشخاص معمولی حمایت‌های بیشتر به عمل آورده‌اند. برخی دیگر نظیر ایالات متحده آمریکا حمایت‌های کمتر از افراد معمولی و برخی دیگر نظیر انگلستان، بلژیک، هلند، سوئد و نروژ، تفاوتی بین مقامات عمومی و افراد عادی نگذاشته‌اند. (Consultation Paper on the Civil Law of Defamation, 1997: 392)

دیوان اروپایی حقوق بشر نیز در آرای خود مقامات حکومتی را مستحق حمایت‌های کمتر دانسته است. دیوان مذکور تأکید دارد که آزادی بیان یکی از مبانی ضروری جامعه دموکراتیک است و سیاست‌مداران باید بیش از اشخاص خصوصی انتقادپذیر بوده و سعه‌صدر داشته باشند. در جامعه دموکراتیک، روزنامه‌نگاران در مورد اظهارنظرهایی که نسبت به اشخاص سیاسی صورت می‌دهند نباید به اثبات مطابق با واقع بودن نظرات خود ملزم شوند.^{۱۱}

همچنین، شورای اروپا نیز با صدور «اعلامیه آزادی بحث‌های سیاسی در رسانه‌ها»^{۱۲} تصریح کرده است که دولت‌ها و قوای سه‌گانه اجرایی، تقنینی و قضایی آن‌ها باید انتقادپذیر باشند. اینان به دلیل موقعیت مسلط خود نباید با قوانین کیفری در برابر هتک حرمت، حمایت شوند. اگر هم چنین قوانینی وجود دارد باید با محدودیت اعمال شوند و آزادی انتقاد را محدود نکنند. افرادی که این نهادها را نمایندگی می‌کنند باید به عنوان فرد مورد حمایت قرار گیرند. شخصیت‌های سیاسی (Political figures) و مقامات سیاسی (Public officials) باید بدانند که خودشان خواسته‌اند که مورد اعتماد عمومی قرار گیرند و در نتیجه، موضوع مباحثه‌های سیاسی و نظارت و ارزیابی عمومی و به‌ویژه از طریق رسانه‌ها باشند.

در حقوق ایران، توهین به کارکنان و مقامات دولتی از عوامل تشدید مجازات است. طبق ماده ۲۷ قانون مطبوعات، در صورت اهانت یک نشریه به رهبر جمهوری اسلامی ایران، پروانه آن نشریه لغو و مدیرمسئول و نویسنده مطلب، مجازات خواهند شد. رسیدگی به این جرم، تابع شکایت مدعی خصوصی نیست. همچنین، ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) نیز در مقام حمایت کیفری بیشتر از کارکنان و مقامات دولت، توهین به اینان را چنانچه در حین انجام وظیفه یا به اعتبار سمت آن‌ها صورت گیرد مستوجب مجازات مشدد دانسته است.

ب. هتک حرمت اشخاص حقوقی عمومی

در خصوص تحقق هتک حرمت در مورد اشخاص حقوقی عمومی (دستگاه‌های اجرایی) رویکرد تحدیدی در کشورهای جهان مشاهده می‌شود. برای مثال، در استرالیا، دستگاه‌های اجرایی حق اقامه دعوی هتک حرمت ندارند زیرا اظهارنظر نسبت به آن‌ها به دلیل آنکه واجد ارزش سیاسی و نفع عمومی شناخته می‌شود مورد حمایت است (Kozioł, 2005: 69-70). دیوان عالی هند نیز در دعوی راجاگوپال علیه ایالت تی ان در سال ۱۹۹۴، اعلام کرده است که دولت، مراجع محلی و سایر ارگان‌ها و نهادهایی که قدرت عمومی را اعمال می‌کنند نمی‌توانند برای مطالبه خسارت، دعوی هتک حرمت اقامه کنند. دیوان مذکور در دعوی دیگری نیز اعلام کرده است که چون مقامات

عمومی حقی نسبت به حریم خصوصی ندارند نمی‌توانند به خاطر بیان مطالبی که رفتار رسمی آن‌ها را مورد مناقشه قرار داده است مطالبه خسارت کنند.^{۱۲} آفریقای جنوبی نیز شرکت‌های دولتی را فاقد حق اقامه دعوی هتک حرمت علیه روزنامه‌ها شناخته است. دیوان عالی زیمبابوه نیز شرکت پست و ارتباطات از راه دور تحت مدیریت دولت را فاقد سمت برای طرح دعوی هتک حرمت شناخته است. به اعتقاد این دیوان هرچند برخی از اشخاص حقوقی می‌توانند دعوی هتک حرمت اقامه کنند اما نهادهای دولتی و اشخاص حقوقی که جزئی از دولت هستند نمی‌توانند. در سال ۱۹۹۷ نیز محاکم انگلستان در دعوی "گلدز میت علیه بویرول" (Goldsmith v. Bhoynul, 1997) یک حزب سیاسی را فاقد حق طرح دعوی هتک حرمت شناختند. (Docherty, 2000: 269)

در فرانسه و بلژیک و به تقلید از حقوق فرانسه در حقوق ایران، اقامه دعوی هتک حرمت از سوی دستگاه‌های اجرایی شناسایی شده است (بند ۸ ماده ۲ قانون مطبوعات) که البته این امر در حقوق ایران در خصوص اقامه دعوی افترا، محل تأمل و مناقشه است. زیرا در حقوق کشور ما، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی شناسایی نشده است و شخص حقوقی نمی‌تواند مرتکب جرم بشود مگر توسط افراد هیئت‌مدیره یا شخص مدیر عامل که مسئولیت اداره مؤسسه یا شرکت حقوقی را به عهده دارند که در این صورت نیز شخص یا افراد مباشر، مسئولیت کیفری خواهند داشت و شخص حقوقی چنان‌که گفته شد با توجه به ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) نمی‌تواند مورد اتهام قرار گیرد و بالطبع نمی‌تواند به عنوان مفتری از کسی شکایت کند ولی در خصوص نشر اکاذیب موضوع ماده ۶۹۸ می‌تواند شاکی باشد. (مجموعه نشست‌های قضایی مسائل قانون مجازات اسلامی، ۱۳۸۷: ۹۷۴)

ج. اهانت به مقدسات

در خصوص اهانت به مقدسات مذهبی، رویه‌های متفاوتی در کشورهای مختلف دیده می‌شود. در برخی کشورها از جمله کشورهای اسلامی توهین به مقدسات مذهبی به جهت حمایت از این مقدسات جرم محسوب می‌شود و در برخی دیگر، تنها در صورتی که به نظم عمومی آن کشور لطمه وارد کند برای مثال به تفرهای قومی یا نژادی یا مذهبی دامن بزند جرم محسوب می‌شود. کشورهای اسلامی، اهانت به مقدسات را جرم می‌دانند. پس از حملات ۱۱ سپتامبر به برج‌های دوقلو در آمریکا و متهم شدن مسلمانان به این اقدام، حملات رسانه‌های غربی به اسلام و مسلمانان تشدید شد و با انتشار کاریکاتورهای اهانت‌آمیز نسبت به ساحت مقدس پیامبر اسلام (ص) در دانمارک، به اوج رسید. از این رو، کشورهای اسلامی درصدد برآمدند تا حمایت از مقدسات اسلامی را در سطح بین‌المللی نیز تقویت کنند.^{۱۳} با پیگیری این کشورها، مجمع عمومی سازمان ملل و شورای حقوق بشر (کمیسون حقوق بشر سابق) قطعنامه‌هایی را در محکومیت اهانت به مقدسات مذهبی به رأی گذاشتند.^{۱۴} همه کشورهای اسلامی، کشورهای آمریکای جنوبی، کشورهای آفریقای و کشورهای آسیایی به‌جز ژاپن و کره و هند به این قطعنامه‌ها رأی مثبت داده‌اند. اما کشورهای

اروپایی (غیر از روسیه) و آمریکای شمالی، استرالیا، نیوزلند به این قطعنامه‌ها رأی مخالف داده‌اند. برخی کشورها همانند هند نیز رأی ممتنع داشته‌اند.

در کشور ما، قانون مجازات اسلامی و قانون مطبوعات بر اساس احکام اسلامی، اهانت به مقدسات را جرم شناخته‌اند. به موجب ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی هرکس به پیامبر اسلام (ص) یا هر یک از انبیای عظام (ع) دشنام دهد یا آن‌ها را قذف نماید به اعدام محکوم می‌شود و قذف ائمه معصومین (ع) و حضرت فاطمه زهرا (س) نیز در حکم سب نبی است. علاوه بر این، ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) می‌گوید: «هرکس به مقدسات اسلامی ... اهانت نماید، اگر مشمول حکم ساب‌النبی باشد، اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.»^{۱۵}

ماده ۲۶ قانون مطبوعات نیز می‌گوید: «هرکس به وسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند، در صورتی که به ارتداد منجر شود حکم ارتداد در حق وی صادر و اجرا و اگر به ارتداد نینجامد طبق نظر حاکم شرع بر اساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.» منظور از مقدسات امور مطهر و پاک است که شارع مقدس احترام آن‌ها را واجب دانسته است. بنابراین، اهانت به مقدسات به معنای تضعیف، خوار کردن و تحقیر اموری که دین اسلام آن‌ها را مقدس دانسته است.

د. اهانت به اموات

با توجه به اینکه از نظر حقوقی، اهلیت افراد برای داشتن حقوق و تکالیف با تولد آن‌ها آغاز و با مرگ آن‌ها پایان می‌یابد (صفایی، قاسم‌زاده، ۱۳۸۱: ۵۱ و ۱۹) برخی معتقدند که اموات در حکم اشیا هستند و هیچ حقی حتی نسبت به حرمت خود نمی‌توانند داشته باشند تا دعوای هتک حرمت نسبت به آن‌ها مسموع باشد. نهایتاً اگر اهانت به یک مرده، اهانت به بازماندگان وی باشد آن‌ها می‌توانند دعوای هتک حرمت اقامه کنند. بر این اساس، اهانت به مردگان، نه به اعتبار توهین به خود آن‌ها بلکه به اعتبار توهین به بازماندگان، قابل تعقیب شناخته می‌شود. این نظر در حقوق فرانسه غالب بوده و در ماده ۳۴ قانون مطبوعات این کشور منعکس شده است. در مقابل، در برخی از نظام‌های حقوقی، حرمت افراد حتی پس از فوت آن‌ها نیز مورد حمایت است. برای مثال، در حقوق آلمان با فوت افراد، برخی از حقوق وابسته به شخصیت آن‌ها به بازماندگان و وراثت منتقل می‌شود. در این کشور، دو حمایت مهم از حقوق وابسته به شخصیت مردگان به عمل می‌آید: حمایت در برابر اهانت و حمایت در برابر ترسیم تصویر غلط از متوفی (Bottner, 2001: 111-15, Koziol: 164). در خصوص اینکه در صورت نقض حقوق مذکور، چه کسی حق اقامه دعوا دارد قانون آلمان از اصطلاح خویشاوند استفاده کرده است که اعم از وارث است و شامل خویشاوندان غیروارث نیز می‌شود. این دو حمایت، به منافع معنوی مربوط می‌شوند. در مورد حمایت از منافع مالی وابسته به شخصیت نیز قانون آلمان از متوفی

حمایت می‌کند اما تنها به وراثت حق اقامه دعوا می‌دهد. البته مدت این حمایت معلوم نیست. تنها در خصوص حق تصویر مشخص است که هرگونه استفاده از حق تصویر اشخاص مرده، تا ۱۰ سال بعد از مرگ آن‌ها باید با اجازه وراثت باشد (Koziol, *Ibid*: 166). نکته مهم در این باره آن است که در این کشور، اهانت به مردگانی که مدت‌ها قبل فوت کرده‌اند و بازمانده‌ای ندارند که توهین را تعقیب کند تحت عنوان جرائم بدون بزه دیده معین (Victimless crimes) و از سوی دادستان عمومی تعقیب می‌شود.

بررسی تاریخ تحول قانون مطبوعات ایران نشان می‌دهد که قانون‌گذار در خصوص جرم‌انگاری اهانت به اموات، رویه متشکستی داشته و شاید از سر تقلید، احکام مختلف و متعارضی را در قوانین مطبوعات پیش‌بینی کرده است. در حال حاضر، قانون مطبوعات، به تقلید از حقوق فرانسه و بدون توجه به آموزه‌های اسلامی که بر احترام به حرمت افراد حتی پس از فوت آنان تأکید دارد^{۱۶} و نیز بدون توجه به واقعیت‌های فرهنگی جامعه که اهانت به اموات را امری بسیار مذموم می‌داند، اهانت به اموات مستقلاً منع نشده و تنها در صورتی که اهانت به بازماندگان محسوب شود از سوی آنان قابل تعقیب، دانسته شده است. تبصره ۲ ماده ۳۰ قانون مذکور می‌گوید: «هرگاه انتشار مطالب مذکور در ماده فوق راجع به شخص متوفی بوده ولی عرفاً هتاکی به بازماندگان وی به حساب آید، هر یک از ورثه قانونی می‌تواند از نظر جزائی یا حقوقی طبق ماده و تبصره فوق اقامه دعوی نماید.»

۵. هتک حرمت گروه‌ها

یکی از مسائل مناقشه‌آمیز در خصوص هتک حرمت آن است که آیا گروه‌ها می‌توانند ادعای هتک حرمت کنند؟ مطالعه تطبیقی نشان می‌دهد که کشورهای مختلف، پاسخ‌های متفاوتی به این مسئله داده‌اند.

نظام حقوقی برخی از کشورها همانند فرانسه، آلمان، سوئیس، انگلستان و هند بر این باور است که دعوای هتک حرمت در صورتی قابل استماع است که شاکی یا مدعی اثبات کند که بیان‌کننده مطلب توهین‌آمیز، با نام بردن از وی یا چاپ تصویر یا پخش صدای او، هویتش را به مخاطبان معرفی کرده است یا بدون اینکه هویت وی را با طرق مذکور افشا کند نشانه‌هایی داده است که مخاطبان به کمک آن‌ها به آسانی متوجه می‌شوند که وی مخاطب آن مطلب توهین‌آمیز است. بر این اساس، دعوای هتک حرمت گروهی زمانی مسموع است که مدعی اثبات کند که عضو آن گروهی است که مورد توهین واقع شده است و در نتیجه عضویتش در آن گروه، توهین متوجه او نیز می‌شود. برای مثال، اگر به اعضای شورای شهر یا اعضای هیئت مدیره یک شرکت توهین شود هر یک از اعضا می‌تواند دعوای هتک حرمت اقامه کند.^{۱۷} برخی از کشورها، همانند ایتالیا، امکان اقامه دعوای هتک حرمت از سوی گروه‌ها را شناسایی کرده‌اند. رویه قضایی این کشور، انتساب رشوه‌خواری به یک فرد و منتسب کردن آن فرد به فلان انجمن را، پس از

اثبات بی‌اساس بودن اتهام رشوه‌خواری، هتک حرمت به انجمن دانسته است. همچنین، تأیید کرده است که اگر برخی از اعضای یک فرقه مذهبی به داشتن مقاصد متقابلانه متهم شده باشند ولی نسبت به کل فرقه اظهارنظرهای توهین‌آمیز شده باشد توهین گروهی واقع شده است. در رأی دیگری اعلام شده است که اهانت به اعتقادات همه اعضای یک انجمن یا تشکل مذهبی، هتک حرمت گروهی است حتی اگر برخی از اعضای انجمن احساس نکنند که به آن‌ها توهین شده است. (Ibid: 253)

در منابع فقهی نیز به این مقوله از اهانت توجه شده است. یکی از موضوعات مطرح در باب غیبت که مستثنیات آن از مستثنیات هجو است ذم کسی است که مشخص یا محصور یا از دیگران متمایز نشده، حرمت ندارد. همچنین، ذم یک طائفه، شهر و روستا مثل ذم عرب یا عجم یا اهل کوفه به‌طور کلی، داخل در موضوع غیبت و هجو شناخته نشده است اما ذم یکی از دو یا چند نفر با محصور و معین کردن آن‌ها یا ذم یک طائفه با اراده ذم اغلب آن‌ها ممکن است داخل در حرمت باشد. (نجفی، پیشین: ۱۶-۱۱۵)

در نظام حقوقی ایران، توهین به اقلیت‌های مذهبی و نژادی و احکام مرتبط با آن در ماده ۲۶ لایحه قانونی مطبوعات ۱۳۳۱ و ماده ۲۳ لایحه قانونی مطبوعات ۱۳۳۴ پیش‌بینی شده بود اما لایحه قانونی مطبوعات ۱۳۵۸ به این مقوله از هتک حرمت تصریحی نشد و اکنون نیز قانون مطبوعات حکم خاصی درباره هتک حرمت گروهی ندارد. با این حال، در عمل، دعاوی زیادی از این سنخ علیه رسانه‌ها مطرح و رسیدگی می‌شود.

نتیجه‌گیری

بین حمایت قوی از آزادی بیان و حمایت از حرمت اشخاص، تعارض جدی وجود ندارد. اشخاصی که خواسته یا ناخواسته وارد عرصه سیاست می‌شوند یا با امور عمومی ارتباط پیدا می‌کنند نباید در مقابل مطالبی که نسبت به واقعیات آن‌ها گفته می‌شود ادعای اهانت کنند. در مورد اظهارنظرهای انتقادی نیز، مادام که اظهارنظر در مورد یک امر عمومی و بر مبنای داده‌های واقعی یا با حسن‌نیت بیان شده باشد ادعای هتک حرمت نباید مسموع باشد. در واقع، در صورت وجود تعارض بین حمایت از آزادی بیان مطالب راجع به امور مذکور و حمایت از حرمت اشخاصی که در نتیجه این‌گونه بیان‌ها ممکن است آسیب ببینند حمایت از آزادی بیان ترجیح دارد. اما در مورد بیان‌هایی که راجع به شخصیت افراد عادی جامعه یا در افشای امور خصوصی آن‌ها گفته می‌شود یا بیان‌هایی که عمداً به قصد تحقیر یک شخص و توهین به او گفته می‌شود یا با علم به خلاف واقع بودن منتشر می‌شوند حمایت از حرمت افراد بر حمایت از آزادی بیان، ترجیح دارد.

همان‌طور که گفته شد نظام حقوقی اسلام از حرمت اشخاص قویاً حمایت کرده و استثناها را نیز مشخص کرده است؛ ولی در قوانین کشور ما، مرزهای روشنی بین آزادی بیان و حمایت

از حرمت اشخاص وجود ندارد و از این رو، در عمل، ترسیم این مرز گاهی از روی سلیقه صورت می‌گیرد. در این مقاله، مواردی که نیاز به تأمل و اصلاح دارند مورد اشاره واقع شدند که اهم آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. به نظر می‌رسد که قوانین مذکور به حمایت از حرمت ذاتی و شخصی افراد توجه لازم نداشته‌اند و تنها به حمایت از حرمت عینی و قانونی پرداخته‌اند.
۲. تمایز بین احکام راجع به هتک حرمت از طریق بیان مطالب راجع به امور واقع و هتک حرمت از طریق بیان مطالب راجع به امور نظری (انتقاد، طنز و قضاوت‌های شخصی) ضروری به نظر می‌رسد شرایط تحقق و اثبات این‌ها و دفاع در برابر هر کدام، از دیگری متمایز است.
۳. برخی از بیان‌ها به دلیل اهمیت زیادی که برای عموم جامعه دارند، می‌توانند در برابر دعوی هتک حرمت مورد حمایت قرار گیرند و از مصونیت برخوردار شوند.
۴. لازم است که تضمین‌های خاصی برای حمایت از آزادی اظهار نظر از سوی برخی اشخاص پیش‌بینی شود.
۵. در مورد قواعد ناظر بر هتک حرمت به اشخاص حقوقی، تفکیک‌ها و دقت نظرهای لازم صورت گیرد.
۶. لازم است که در خصوص قواعد ناظر بر هتک حرمت به اموات تجدیدنظر شود.
۷. لازم است در مورد هتک حرمت گروه‌ها تفکیک‌ها و دقت نظرهای لازم صورت گیرد.
۸. خیزش بین‌المللی برای کیف‌زدایی از هتک حرمت به‌ویژه حذف حبس از زمره مجازات‌های مرتکبان هتک حرمت آغاز شده است. در سال‌های اخیر کشورهای زیادی در قوانین هتک حرمت خود تجدیدنظر کرده‌اند. استفاده از نظام مسؤلیت مدنی و حق پاسخ و پس گرفتن ادعاهای اهانت‌آمیز در زمره تدابیر جایگزین است که در کشور ما نیز باید مورد توجه قرار گیرند.

۴۷

حمایت از حرمت اشخاص در برابر آزادی بیان

پی‌نوشت‌ها

1. See: Helmut Koziol, Alexander Warzilek (eds.), *The Protection of Personality Rights against Invasions by Mass Media*, Springer-Verlag/Wien, Germany, 2005.
2. See: David Rolph, *Reputation, celebrity and defamation law*, Ashgate Publishing Company, 2008; Robert C. Post, *The Social Foundations of Defamation Law: Reputation and the Constitution* (1986), Yale Law School, Faculty Scholarship Series, paper 217, http://digitalcommons.law.yale.edu/fss_papers/217.
۳. ر.ک: شیخ محمد حسن نجفی، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، ج ۲۳، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۳۷۵، ص ۱۰۸؛ سید ابوالقاسم خویی، *مصباح الفقاهه*، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۳۷۸، صص ۳۸۸-۳۸۷.
4. See: Eileen Finan, *The Fact-Opinion Determination in Defamation*, Columbia Law Review, Vol. 88, No. 4, 1988, <http://www.jstor.org/stable/1122648>.
5. Loi du 29 juillet 1881 sur la liberté de la presse, Version consolidée au 5 avril 2011.
6. Towards Decriminalisation of Defamation, Report of Committee on Legal Affairs and Human Rights, Rapporteur: Mr Jaume Bartumeu Cassany, Andorra, Socialist Group, Doc. 11305, 25 June 2007, no. 26.
۷. قانون استفساریه نسبت به کلمه اهانت، توهین و یا هتک حرمت مندرج در مقررات جزائی مواد ۵۱۳، ۵۱۴، ۶۰۸، ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی و بندهای ۷ و ۸ ماده ۶ و مواد ۲۶ و ۲۷ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴ که در تاریخ ۱۳۷۹/۱۰/۱۰ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

۸. برای مطالعه تفصیلی در خصوص مصونیت‌های مشروط و مطلق در حقوق کشورهای فرانسه، انگلستان، آمریکا و هند ر.ک: دکتر کاظم معتمدنژاد، *حقوق مطبوعات*، ج ۱، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، صص ۴۱۱ - ۳۶۹.
۹. ر.ک: قاسم ابراهیمی، (تابستان ۱۳۸۱)، «مصونیت پارلمانی از نگاه فقه»، فقه اهل بیت (فارسی)، شماره ۳۰.
10. Council of Europe, Human rights files, No. 18: *Case Law Concerning Article 10 of the European Convention on Human Rights*, 2001, pp.11-12.
11. *Declaration on freedom of political debate in the media*, Adopted by the Committee of Ministers on 12 February 2004 at the 872nd meeting of the Ministers' Deputies.
12. Bonnie Docherty, *Defamation Law: Positive Jurisprudence*, Harvard Human Rights Journal, Vol. 13, Spring 2000, p. 268.
۱۳. در میان کشورهای اروپایی، فنلاند، ایرلند، نیوزیلند، لهستان، سوئد، انگلستان و ایتیکان، انتشار این کاریکاتورها را محکوم کردند ولی کشورهای بلژیک، چک، فرانسه، آلمان، ایتالیا، هلند، نروژ و اتحادیه اروپا، انتشار کاریکاتورها را در چارچوب آزادی بیان شناخته و از محکوم نمودن آن‌ها، امتناع کردند.
۱۴. کمیسیون حقوق بشر در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵، مجمع عمومی سازمان ملل در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ و شورای حقوق بشر در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ با صدور قطعنامه‌هایی، اهانت به مقدسات را محکوم و ممنوع کرده‌اند.
۱۵. برای مطالعه تفصیلی مقدسات اسلامی طبق نظر مشهور فقها ر.ک: جواد فخار طوسی، *امام خمینی و رسانه‌های گروهی*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۸۱، صص ۸۶ - ۵۵.
۱۶. از پیامبر اسلام منقول است که: «حرمة المسلم میتتاً کحرمته و هو حی سواء»، برای مطالعه تفصیلی درباره این روایت ر.ک: سید محسن خرازی، *گفتاری در حکم تشریح، فصلنامه فقه اهل بیت*، ش ۲۵؛ در منابع اهل تسنن به دو روایت دیگر از پیامبر اسلام (ص) برای منع اهانت به مردگان استناد می‌شود که عبارت‌اند از: «لا تسبوا الأموات فانهم قد افضوا الی ما قدموا»: مردگان را دشنام ندهید چرا که آنان شتافته‌اند به سوی اعمالی که پیش فرستاده‌اند؛ (محمد بن اسماعیل بخاری، *صحیح البخاری*، دارالطباعة العامرة باستانبول، الجزء الثاني، ۱۴۰۱ هـ ۱۹۸۱ م، ص ۱۰۸)؛ و «لا تسبوا الأموات فتؤذوا الأحياء»: مردگان را سب نکنید که منجر به اذیت زندگان (آن‌ها) می‌شود، ابن بلبان، *صحیح ابن حبان*، الطبعة الثانية، ۱۴۱۴ هـ ۱۹۹۳ م، ج ۷، ص ۷۹۷.
17. See: Charles J. Glasser Jr (ed.), *Op.cit.*, pp.226, 236, 310, 208, 123.

منابع

- ابن بلبان (۱۴۱۴ هـ ۱۹۹۳ م)، *صحیح ابن حبان*، الطبعة الثانية، ج ۷.
- انصاری، شیخ مرتضی (۱۳۷۴)، *المکاسب*، الجزء الاول، انتشارات دهقانی (اسماعیلیان).
- انصاری، باقر (۱۳۸۷)، *آزادی اطلاعات*، نشر دادگستر.
- انصاری، باقر (۱۳۸۶)، *حقوق ارتباط جمعی*، انتشارات سمت.
- انصاری، باقر (۱۳۸۷)، *حقوق حریم خصوصی*، انتشارات سمت.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ هـ ۱۹۸۱ م)، *صحیح البخاری*، دارالطباعة العامرة باستانبول، الجزء الثاني.
- پاد، ابراهیم (۱۳۵۲)، *حقوق کیفری اختصاصی*، ج اول، چاپ سوم، تهران.
- حر عاملی، شیخ محمدبن حسن (۱۴۱۴ هـ)، *وسائل الشیعه*، ج ۱۲، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.
- خرازی، سیدمحسن (۱۳۸۶)، *گفتاری در حکم تشریح، فصلنامه فقه اهل بیت*، ش ۲۵.
- خویی، سیدابوالقاسم (۱۳۷۸)، *مصباح الفقاهه*، مؤسسه النشر الاسلامی، قم.
- صفایی، سیدحسین و سیدمرتضی قاسم‌زاده (۱۳۸۱)، *حقوق مدنی*، اشخاص و محجورین، تهران، سمت.
- فخارطوسی، جواد (۱۳۸۱)، *امام خمینی و رسانه‌های گروهی*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
- مجموعه نشست‌های قضایی مسائل قانون مجازات اسلامی (۲) (۱۳۸۷)، انتشارات جاودانه.
- محقق کرکی، *مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامه*، ج ۱۷، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۲۴ هـ.

معمد نژاد، کاظم، حقوق مطبوعات، ج ۱، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
نجفی، شیخ محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام (۱۳۷۵)، ج ۲۳، مؤسسه النشر الاسلامی، قم.
نظریات شورای نگهبان (تابستان ۱۳۸۱)، مرکز تحقیقات شورای نگهبان، چاپ اول.

- Bottner, Gotz (2001), "Protection of the Honour of Deceased Persons-A Comparison Between the German and the Australian Legal Situations", Bond Law Review, VO. 13, issue 1.
- "Declaration on freedom of political debate in the media" (February 2004), Adopted by the Committee of Ministers on 12 at the 872nd meeting of the Ministers' Deputies.
- Dereyer, Emmanuel (2002), *Droit de l'information : Responsabilité pénale des medias*, Litec, paris, 2002.
- Emmanuel Derieux (1999), *Droit de la Communication*, L.G.D.J., Paris.
- Finan, Eileen (1988), "The Fact-Opinion Determination in Defamation", Columbia Law Review, Vol. 88, No. 4, <http://www.jstor.org/stable/1122648>.
- Glasser Jr, Charles J (2006), (ed.), *International libel and privacy handbook : a global reference for journalists, publishers, webmasters, and lawyers*, Bloomberg Press, New York.
- Harnett, Bertram and John V. Thornton (1949), "The Truth Hurts: A Critique of a Defense to Defamation", Virginia Law Review, Vol. 35, No. 4, <http://www.jstor.org/stable/1069017?origin=jstor-pdf>.
- Harper, Fowler V (1936), "Privileged Defamation", Virginia Law Review, Vol. 22, No. 6.
- Koziol, Helmut, Alexander Warzilek (2005), (eds.), "the Protection of Personality Rights against Invasions by Mass Media", Springer. Verlag/Wien, Germany.
- Noel, Dix W (February 2004), "Defamation of Public Officers and Candidates", Columbia Law Review, Vol. 49, No. 7.
- Post, Robert C (1986), "the Social Foundations of Defamation Law: Reputation and the Constitution" Yale Law School, Faculty Scholarship Series, paper 217, http://digitalcommons.law.yale.edu/fss_papers/217.
- Rolph, David (2008), *Reputation, celebrity and defamation law*, Ashgate Publishing Company.
- The Law Reform Commission (March 1991), *Consultation Paper on the Civil Law of Defamation*, Ireland, *Towards Decriminalisation of Defamation* (June 2007), Report of Committee on Legal Affairs and Human Rights, Rapporteur: Mr Jaume Bartumeu Cassany, Andorra, Socialist Group, Doc. 11305, 25.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتمال جامع علوم انسانی